



ما از عدالت سهمی داریم
سازمان حقوق بشر ایران

سال چهارم شماره ۱۰۰

۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۸ / ۳۰ آوریل ۲۰۱۹

حقوق ما

اسیدپاشی

ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر ایران / محمود امیری مقدم

سردبیر این شماره: نعیمه دوستدار

تحریریه: مریم دهکردی، معین خزائلی، نیلوفر جعفری، نقی محمودی

صفحه بندی: ماهور خوش قدم

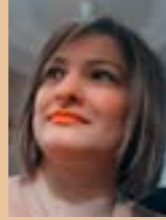
عکس روی جلد مرضیه ابراهیمی از قربانیان اسیدپاشی در ایران است.

تماس با مجله: mail@iranhr.net

حقوق ما در ویرایش مطالب آزاد است

یادداشت هایی که از روزنامه نگاران و اشخاص دریافت می شود نظر شخصی آنان است و دیدگاه مجله حقوق ما نیست

اسیدپاشی: قتل بدون مردن



اعدام برای اسیدپاشی: تولید یک چرخه خشونت دیگر



اسیدپاشی، جرمی که نباید از آن گذشت



بررسی جرم اسیدپاشی در قوانین کشورهای دیگر

تقویت قوانین خشونت علیه زنان؛ پاشنه آشیل اسیدپاشان



طرح تشدید مجازات اسیدپاشی؛ جرم انگاری
یا تشدید خشونت؟



اسیدپاشی: قتل بدون مردن



نعیمه دوستدار

اسید پاشی در دنیا قدمتی بیشتر از ۱۵۰ سال دارد و در ایران دارای تاریخچه‌ای بیش از ۶۰ سال است. انتقام‌جویی بسیار خشنی که در نتایج و آثار کم از قتل و نابودی قربانی ندارد. قربانیان اسیدپاشی، هم مردانند و هم زنان اما به دلایل بسیار زنان آمار بزرگتری در میان قربانیان اسیدپاشی دارند. اسیدپاشی به زنان در بسیاری از موارد ریشه در مردسالاری و قوانین نابرابر و تبعیض آمیز دارد و در کشورهایی مانند ایران که نظام نابرابر بر شوون مختلف زندگی حاکم است، به یک روش نسبتاً مرسوم برای ساقط کردن زنان از هستی به دست مردان زندگی‌شان تبدیل شده است. اسیدپاشی جرمی است که می‌توان آن را از زاویه‌های گوناگون بررسی کرد. از نظر حقوقی، اسیدپاشی را از جرم‌های علیه اشخاص قلمداد می‌کنند: زیرا شامل تعرض و آسیب به تمامیت جسمی بزه دیده است که در پاره‌ای موارد، حتی می‌تواند به مرگ او بینجامد. به این ترتیب، اسیدپاشی به طور عمده، جرم خاصی است که در طبقه ضرب و جرح و قتل قرار می‌گیرد.

اما از دیدگاه جرم‌شناسی، اسیدپاشی در ردیف جرم‌های خشونت بار است چون شیوه ارتکاب آن مستلزم کاربرد اسید به عنوان وسیله ارتکاب جرم و همچنین نشانه خطرناک بودن فرد بزهکار است که با خشونتی شدید علیه قربانی خود عمل می‌کند. در تحقیقاتی که در این زمینه انجام شده، مشخص شده که مرتکبان اسیدپاشی، به طور معمول، دارای مشکلات فیزیکی، روانی و اجتماعی اند. تیپ شخصیتی مرتکبان اسیدپاشی در روان‌شناسی و روان‌پزشکی جنایی «بزهکاران دارای حالت‌های خطرناک و خیم یا حاد» طبقه بندی شده و نوع و شدت رفتار ارتكابی آنان نمایان گر شخصیت مجرمانه آنهاست که در جرم‌شناسی بالینی به طور معمول جزو درجه‌های شدید حالت خطرناک قرار می‌گیرد. از نظر جامعه‌شناسی نیز مرتکبان اسیدپاشی اغلب به طبقه‌های پایین، فرودست و فقیر جامعه تعلق دارند که افزون بر مشکلات اقتصادی از مشکلات فرهنگی و خانوادگی مانند بیسوادی، کم‌سوادی، ناهنجاری‌های خانوادگی و به طور کلی، فقر فرهنگی رنج می‌برند. با در نظر گرفتن این ویژگی‌ها جای تعجب ندارد که

اسیدپاشی علاوه بر جنبه خصوصی و شخصی، جنبه عمومی هم دارد و به دلیل همین ویژگی‌ها اطلاع‌رسانی درباره آن هم در افکار عمومی وحشت ایجاد می‌کند و هم به شدت روان جامعه را آزار می‌دهد. جبران خسارت‌های جسمی و روانی فرد بزه دیده در اسیدپاشی محال است و به همین دلیل است که به نظر می‌رسد پیشگیری از وقوع چنین جرمی مانند سایر جرایم، از مجازات آن به حال جامعه مفیدتر است. نظام قضایی ایران هم با توجه به فراوانی این جرم و برای کاستن از اثرات روانی و اجتماعی آن از مدت‌ها قبل به فکر تشدید مجازات اسیدپاشان بوده و اخیراً با تصویب طرح تشدید مجازات اسیدپاشی خواسته تا این جرم را کنترل کند هرچند به دلیل تمایل سیستم قضایی ایران، با در نظر گرفتن مجازات اعدام برای مرتکبینی که تولید

وحشت می‌کنند، بر جرایمی که مجازات اعدام در پی دارند، افزوده است. در این میان آنچه که اغلب مغفول می‌ماند، زمینه‌های اجتماعی موضوع است که به نوعی فرهنگ اعمال خودسرانه مجازات به شکل انتقام‌جویی را به بهانه‌هایی مانند غیرت و ناموس و امر به معروف و نهی از منکر، مجاز می‌شمارد و به شکل تلویحی به آن مجوز می‌دهد. فرهنگی که در آن سرنوشت افراد به ویژه زنان به دست اشخاصی می‌افتد که به عنوان ولی و صاحب اختیار و گاه به عنوان نیروهای خودسر اعمال قانون و اخلاق، به خود اجازه می‌دهند با پاشیدن اسید بر چهره کسی، امکان حیات اجتماعی را برای همیشه از او بگیرند. در این شماره مجله حقوق ما ابعاد گوناگون این موضوع و قانون جدید تشدید مجازات اسیدپاشی بررسی شده است.



اعدام برای اسیدپاشی: تولید یک چرخه خشونت دیگر



رضا حاجی‌حسینی

رضا حکمت، رییس مجلس شورای ملی را بر خود دارد و در جلسه روز ۱۶ اسفند سال ۱۳۳۷، به تصویب مجلس سنا نیز می‌رسد.

بعد از انقلاب سال ۵۷ اما مجازاتی برای اسیدپاشی در قانون مشخص و منظور نمی‌شود و همان قانون پیشین محل رجوع است تا اینکه با تصویب قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲ (مواد ۳۸۱ به بعد) مجازات اعدام در نظر گرفته شده برای اسیدپاشی در قانون به قصاص تبدیل می‌شود، به این ترتیب که:

«اگر اسیدپاشی موجب قتل شود، مجازات آن قصاص نفس است و اگر اولیای دم مبادرت به تبدیل قصاص به دیه کنند یا اینکه بزهکار را عفو کنند در حالی که عمل او موجب اخلال در نظم، صیانت و امنیت جامعه شده یا بیم تجری مرتکب یا دیگران شود، مجازات متهم از باب جنبه عمومی جرم مستندا به ماده ۶۱۲ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ سه تا ۱۰ سال حبس تعزیری است.»

خبرگزاری میزان، خبرگزاری قوه قضاییه، ۲۱ اردیبهشت ماه ۹۸ درباره نحوه اجرای این قانون می‌نویسد که قاضی رسیدگی کننده به پرونده می‌تواند رضایت ولی دم را زمینه تخفیف مجازات بداند و بزهکار را به کمتر از سه سال حبس محکوم کند:

پیام طرف یک روز قبل از سفر وزیر خارجه لبنان به ایران

وظیفه اروپا عادی سازی روابط اقتصادی با ایران است

سید عباس موسوی

نیم فصل دینی

اگر نه همه دین، اخلاق و شایسته‌های دینی است، دستکم بخش انسانی از دین را بخواهیم و انگیزه‌های اخلاقی شکل می‌دهند. این ویژگی را حتی در بسیاری از آیین‌های خدائپرست هم می‌توان مشاهده کرد. لیکن شکل، ماهیت و چسبندگی مفهوم اخلاق در ایران خدای بازنکب‌ها و بازنه‌های نامقدس، منکر و گداز متعارف، به خود گرفته است.

این گونه‌ها و انواع در تعریف و بازتاب یا می‌توان در مواردی میان دین اخلاقی و دین شرعی یا موضوع فقهی تعریف و تبیین کرد. جایی که قشار و پوسته این دو مفهوم، به تعارض و تقابل جدی‌ترین می‌رسند. هنگامی که همزمان در نفس‌آگری به انتخاب میان دین اخلاقی و دین شرعی می‌رسد.

از آنجا که این هر دو معنی در زیاده و تعامل انسان با مسئله بی‌پایانی تعریف می‌شود. پیش از هر موضوعی باید به حساسیت و جایگاه هر یک از این دو در «بهدین» پرداخت. برای تبیین ریشه‌ها، جایگاه دو مفهوم دین

روز گذشته نیز نهمین اجلاس به ماده یک این طرح با رأی موافق ۹۸ رأی مخالف و ۱ رأی ممتنع از مجموع ۲۹۵ نماینده حاضر به تصویب رساندند که به موجب آن در مواردی که اسیدپاشی به قصد ارتکاب و ایجاد ناشی در جامعه باشد، اقدام مرتکب فساد فی‌الارض محسوب شده و شخص اسیدپاش به اعدام محکوم می‌شود.

فصلنامه حقوقی و پیماندهای سفر نخست وزیر ژاپن به ایران را بررسی می‌کند

مادعوریت دشوار شینزو آبه در تهران

به نمایندگی از هیئت هیئت مدیره قطر انجام شد

به او اقلیت رهبر انقلاب با منو و تحلیف مجازات اعدامی از بهکرمیان

پیشگویی

فصلنامه سیاسی فرگشت کو با «سنگار» باز نمایان اصلاحات همبستان در حال بررسی است

جبهه جدید اصلاح طلبان در انتخابات

گرچه سیاسی - فزونی به ایران انتخابات نزدیک می‌شود و شایعه‌ها و اخبار غیررسمی در رابطه با جریان‌های سیاسی و ساواکار آنها در انتخابات پیش‌رو بیشتر می‌شود. گمانه‌زنی‌ها درباره پایان سال ۹۸ و نوع حضور در انتخابات مجلس که در اسفند سال جاری برگزار خواهد شد، این روزها بیشتر از هر زمان دیگری از سوی رسانه‌ها و شخصیت‌های سیاسی دیده می‌شود.

چرا باید در حوزه‌های مختلف فرهنگ و هنر آرتیست‌ها تکیه کرد؟

فرهنگی برای آینده

بند پیش‌کش‌هایی مانع از اجرای سیاست‌های پایبند می‌شود؟

چراغ‌های خاموش زندگی شبانه شهرها

«به علاوه در صورتی که اسیدپاشی موجب جنایتی کمتر از قتل نفس شود، حسب ماده واحده فوق‌الذکر رفتار شده و به موجب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در صورت مطالبه قربانی جرم، بزهکار در صورت امکان با قصاص عضو و در صورت عدم امکان قصاص عضو، محکوم به پرداخت دیه نیز خواهد شد.»

این قانون اردیبهشت و خرداد ماه ۹۸ در مجلس بازننگری شده اما تا زمان تایید قانون جدید از سوی شورای نگهبان و ابلاغ آن از سوی رئیس مجلس، ملاک قانونی برخورد با اسیدپاشان، همان مصوبه سال ۱۳۹۲ است.

تشدید مجازات اسیدپاشی: باز هم اعدام

اسیدپاشی که در میان افکار عمومی از جمله انواع «بسیار خشن» اعمال خشونت است، بیشتر علیه زنان انجام می‌شود. این اقدام مجرمانه که می‌تواند حتی به مرگ فرد بینجامد، حمله‌ای است که نه برای قتل، بلکه معمولاً به منظور گرفتن انتقام و نابود کردن زندگی اجتماعی و

آینده یک انسان انجام می‌شود. به گفته یک مقام بیمارستانی در ایران سالانه ۶۰ تا ۷۰ نفر از اسیدپاشی آسیب می‌بینند. این آمار در کنار فعالیت آسیب‌دیدگان از اسیدپاشی که از «آمنه بهرامی» (۱)، «مرضیه ابراهیمی» (۲) و «سهیلا جورکش» (۳) می‌توان به عنوان شاخص‌ترین آنان نام برد، باعث شد تا قانون تشدید مجازات اسیدپاشی در سال ۹۸ در دستور کار مجلس ایران قرار بگیرد.

روز دوشنبه ۳۰ اردیبهشت ۹۸، «کلیات» طرح یک فوریتی تشدید مجازات اسیدپاشی و حمایت از بزه‌دیدگان ناشی از آن و ماده یک طرح تشدید مجازات اسیدپاشی به تصویب مجلس می‌رسد (۱۴۷ رأی موافق، ۱۶ رأی مخالف و چهار رأی ممتنع از مجموع ۲۱۵ نماینده حاضر).

بر اساس این ماده، هر کس که به عمد با پاشیدن اسید یا هر گونه ترکیبات شیمیایی با هر میزان غلظت موجب جنایت بر نفس و عضو شود، در صورت شکایت فرد آسیب‌دیده یا در صورت مرگ او، شکایت اولیای دم، با

اسیدپاشی، جرمی که نباید از آن گذشت



نقی محمودی

هر چند طبق آمارهای رسمی، اکثریت قربانیان جرم اسید پاشی زنان هستند ولی نمی‌توان اسید پاشی را صرفاً جرمی خاص علیه تمامیت جسمانی زنان تلقی کرد. جرم مذکور غالباً به انگیزه انتقام جویی ارتکاب می‌یابد، اما به هر انگیزه و سائقی که باشد جرمی عمدی است که آثار و عوارض سوء بی‌شماری در پی دارد. یکی از عوارض سوء جرم اسید پاشی، اختلال در امنیت روحی و روانی شهروندان است. اسیدپاشی آسیب شدیدی به قربانی وارد می‌کند که در اکثر مواقع ترمیم پذیر نیستند و علاوه بر آسیب‌های جسمی از جمله نابینایی و تغییر قیافه قربانی جرم، می‌تواند آسیب‌های روانی جدی مثل افسردگی، اضطراب، حملات اضطرابی، اختلالات خوردن و حتی اعتیاد و خودکشی را به همراه داشته باشد. آمار اسید پاشی در کشورهای در سطح بالاست که از نظر توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در سطح پایینی هستند. کشورهای نظیر ایران، افغانستان، پاکستان، بنگلادش و برخی از کشورهای آفریقایی که در آنها تعصبات مذهبی و سنتی هنوز ریشه‌های محکمی دارند.

در سال‌های اخیر با مختومه اعلام شدن پرونده‌ها و عدم شناسایی و بازداشت متهمین اسید پاشی به زنان در اصفهان، این شائبه ایجاد شده است که اسیدپاشان اصفهانی بنا به امر امام جمعه اصفهان، به زنانی که به قول آنها فاقد حجاب



شرعی هستند اسید پاشیده‌اند.

پیشگیری از وقوع جرم اسید پاشی

پیشگیری را می‌توان یکی از راهبردهای اساسی در حوزه کنترل اجتماعی بر شمرد که دربردارنده مجموعه راهکارهای مستقیم و غیرمستقیم با هدف ایجاد امکانات و موقعیت‌های بازدارنده از وقوع جرم و کجروی، طراحی و تدوین می‌شود. اهمیت و کارآمدی پیشگیری، همواره توجه صاحب‌نظران نظام‌های جزایی و حوزه سیاست جنایی را به خود جلب کرده است. تجربه‌های دراز مدت نظام‌های کیفری و هم چنین یافته‌های تجربی چند دهه اخیر نشان می‌دهد که در صورت اجرای صحیح، پیشگیری راه‌حلی به مراتب کارآمدتر و موثرتر از راهبردهای پسینی مقابله است. این یافته‌ها نشان می‌دهند که پیشگیری، کاهش قابل توجه در نیروها و هزینه‌های مورد نیاز در کنترل اجتماعی در پی دارد. باید اذعان داشت که رویکرد جرم شناسانه نسبت به پیشگیری در طول تاریخ با دو نگرش متفاوت روبه‌رو بوده است. برخی از جرم شناسان تعریف پیشگیری را در قالبی کلان تعریف کرده‌اند و برخی دیگر پیشگیری را در مفهوم خرد به کار بسته‌اند. جرم شناسان کلان نگر اعتقاد دارند هر اقدامی که علیه جرم صورت بگیرد و آن را کاهش دهد، پیشگیری نامیده می‌شود.

مقوله پیشگیری از وقوع جرم، یکی از مقولات بنیادین در حوزه حقوق، در راستای کاستن از تراکم بار زرادخانه کیفری است. در بند ۵ تبصره اصل صد و پنجاه و شش قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و در مقام بیان یکی از وظایف قوه قضائیه این موضوع چنین آمده است: اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین.

مضافاً بر این، قانون خاصی نیز در سال ۹۴ تحت عنوان «قانون پیشگیری از وقوع جرم» تصویب و لازم‌الاجرا شده است.

قانون پیشگیری از وقوع جرم

ماده ۱- پیشگیری از وقوع جرم عبارت است از پیش بینی، شناسایی و ارزیابی خطر وقوع جرم و اتخاذ تدابیر و اقدامات لازم برای از میان بردن یا کاهش آن.

ماده ۲- در اجرای وظایف مندرج در ماده (۴) این قانون، شورای عالی پیشگیری از وقوع جرم با اعضای زیر تشکیل می‌شود:

۱- رئیس قوه قضائیه (رئیس شورا)

۲- معاون اول رئیس جمهور (نائب رئیس)

۳- نائب رئیس اول مجلس شورای اسلامی

۴- معاون اول رئیس قوه قضائیه

طرح‌ها و برنامه‌های ملی پیشگیری، سنجش و پیگیری عملکرد نهادهای مسؤوَل در این زمینه

۵- اتخاذ سیاست‌های مورد نیاز در جهت حمایت از بزه دیدگان و محکومان و خانواده آنان و اصلاح و جامعه پذیری محکومان و برخورداری آنان از زندگی شرافتمندانه تبصره - شورای عالی پیشگیری از وقوع جرم حداقل در هر فصل یک بار تشکیل جلسه خواهد داد.

ماده ۴- مصوبات شورای عالی پیشگیری از وقوع جرم صرفاً با توافق و امضای سران سه قوه در چهارچوب قوانین، لازم‌الاجراء می‌باشد.

تبصره ۱- پس از ارسال مصوبات شورای عالی برای رؤسای قوا، در صورتی که عدم تأیید و یا امضای مصوبه حداکثر طی دو ماه اعلام نشد، به منزله تأیید می‌باشد.

تبصره ۲- رئیس جمهور موظف است مصوبات شورای عالی را پس از طی مراحل قانونی، ابلاغ و برای اجراء در اختیار مسؤولان بگذارد. مصوبات مربوط به نیروهای مسلح پس از اخذ موافقت فرماندهی کل قوا قابل اجراء خواهد بود.

تبصره ۳- مصوبات شورای عالی پیشگیری از وقوع جرم پس از توافق و امضای سران سه قوه حداکثر ظرف مدت پانزده روز به تمام دستگاهها ابلاغ می‌شود.

ماده ۵- برای انجام وظایف زیر، دبیرخانه شورای عالی در قوه قضائیه تشکیل می‌شود:

۱- پیگیری اجراء مصوبات ابلاغی شورا

۲- انجام تحقیقات و پژوهش‌های مورد نیاز برای آسیب شناسی علل وقوع جرم و راههای پیشگیری از آن از طریق نهادهای تحقیقاتی در قوای سه‌گانه و مراکز پژوهشی دانشگاهی و در صورت نیاز انجام تحقیقات مذکور به صورت مستقل و تهیه و انتشار گزارش‌های آماری ادواری و سالانه

۳- شناسایی راههای جلب مشارکت مردمی و حمایت از سازمانهای مردم نهاد و نهادهای غیردولتی در امر پیشگیری از وقوع جرم در چهارچوب قوانین و مقررات و مصوبات شورا

۴- دریافت آمار و اطلاعات مرتبط با وظایف شورا از دستگاهها و نهادهای ذی ربط جهت تجزیه و تحلیل آنها و ارائه گزارش به شورا

۵- تهیه و تدوین پیش‌نویس سیاست‌های اجرائی و برنامه‌های ملی پیشگیری از وقوع جرم و اخذ گزارش و جمع بندی نتایج اجراء طرح‌ها و برنامه‌های ملی جهت ارائه به شورا

۶- انجام امور دبیرخانه ای و سایر امور محوله از سوی شورا

ماده ۶- هر یک از قوا موظفند با استفاده از ساز و کارها و ساختارهای خود نسبت به تحقیق و مطالعه درباره علل وقوع جرم و راه‌های پیشگیری از آن اقدام نمایند و نسخه ای از نتایج به دست آمده را برای شورای عالی پیشگیری از وقوع جرم ارسال کنند.

موارد مهمی که در قانون اخیر الذکر از آن غفلت شده است محدودیت یا ممنوعیت تهیه مواد، آلات، ابزار و ادواتی است که در جرائمی مثل جرم اسید پاشی، می تواند مورد استفاده مجرمین قرار گیرد. آن چه که در جرم اسید پاشی مورد استفاده ی مجرمین قرار می‌گیرد انواع و اقسام اسیدها، مواد قلیائی است که به گفته رئیس اتحادیه ی تولیدکنندگان و فروشندگان مواد شیمیایی هر نوع از مواد شیمیایی مانند احتراقی، پیش‌ساز، انفجاری و... به راحتی در دسترس افراد قرار می‌گیرد. حجت خلیل‌ارجمندی می‌گوید: نگرانی اصلی اتحادیه بیشتر در مورد عرضه اسیدهای خطرناک از طریق فضای مجازی است، زیرا هر شخصی با یک جست‌وجوی ساده در فضای مجازی می‌تواند به هر نوع از مواد شیمیایی از یک تا صد هزار لیتر دسترسی پیدا کند!

مورد دوم آموزش و آگاه سازی شهروندان از طریق رسانه های جمعی است. صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، یکی از سازمان های عریض و طویلی است که بودجه های کلانی در اختیار دارد و به جای صرف این بودجه ها در تهیه و تولید برنامه های آموزنده و پرمحتوا، صرف ساخت سریال ها و فیلم های فاقد محتوای مفید برای شهروندان می شود.

تطور تاریخی قانون مبارزه با اسید پاشی

اولین متن قانونی در ارتباط با جرم اسید پاشی در سال ۱۳۳۷ به تصویب رسیده است. ماده واحده لایحه ی قانونی مربوط به مجازات پاشیدن اسید، چنین مقرر داشته است: هر کس که عمدا با پاشیدن اسید یا هر نوع ترکیبات شیمیایی دیگر موجب قتل کس دیگری شود، به مجازات اعدام و اگر موجب مرض دایمی یا فقدان یکی از حواس گردد به حبس جنایی درجه یک (بیش از ۱۰ سال) و اگر موجب قطع یا نقصان یا از کارافتادن عضوی از اعضا بشود به حبس جنایی درجه دو (از ۲سال تا ۱۰ سال) و اگر موجب صدمه دیگری شود به حبس جنایی درجه دو (از ۲سال تا ۵ سال) محکوم خواهد شد.طبق ماده واحده ی مذکور، مجازات شروع به پاشیدن اسید به اشخاص، حبس جنایی درجه دو (از ۲سال تا ۵سال) است .

پس از استقرار جمهوری اسلامی ایران و تصویب قوانین

منطبق با موازین شرع اسلام و تقسیم بندی جرائم به حدود، قصاص، دیات و تعزیرات عملا قانون مذکور منسوخ شد که نظریه اداره حقوقی قوه قضائیه نیز مشعر بر همین امر است. بنابراین جرم اسید پاشی نه به عنوان یک جرم خاص با عوارض و آثار سوء ،بلکه به عنوان یکی از عمومات جرائم حدود وقصاص و دیات مورد لحاظ قرار گرفته و محاکم بر همین اساس مبادرت به صدور حکم می‌کردند. طبیعتاً جرم اسید پاشی مثل سایر جرائم علیه تمامیت جسمانی، جرمی فاقد جنبه عمومی و قابل گذشت محسوب می‌شود.

اخیرا نمایندگان مجلس شورای اسلامی، کلیات طرحی تحت عنوان «تشدید مجازات اسید پاشی و حمایت از بزه دیدگان» را تصویب کردند. صرفنظر از این که باید منتظر نظر شورای نگهبان بود علی رغم این که این طرح عنوان تشدید مجازات اسید پاشی را یدک می‌کشد ولی نسبت به ماده واحده لایحه قانونی مربوط به مجازات پاشیدن اسید مخفف است. هر چند با اعمال مجازات اعدام در ارتباط با هر جرمی نباید موافقت کرد ولی مجازات‌های مندرج در طرح مذکور اخف از مجازات‌های ماده واحده مصوب سال ۱۳۳۷ است.

اما از نکات قوت این طرح، می توان به تعریف مشخص تری از معنای اسیدپاشی اشاره کرد.

بر مبنای طرحی که کلیاتش به تصویب نمایندگان رسید، اسیدپاشی عبارت است از «ریختن اسید یا سایر ترکیبات شیمیایی بر روی فرد، فرو بردن اعضای بدن در درون اسید و اعمالی نظیر آن.»

نتیجه گیری

با توجه به این که اسید پاشی یک جرم عمدی علیه تمامیت جسمانی است و از سوی دیگر با ارتکاب این جرم در نظم عمومی جامعه و بهداشت روحی شهروندان خلل ایجاد می‌شود، نباید چنین جرمی قابل گذشت باشد و با اعلام رضایت و گذشت شکات خصوصی متهمان بتوانند از عدالت بگریزند. جرم اسید پاشی باید به لحاظ مطالبی که در متن مطرح شد، به عنوان یک جرم دو جنبه‌ای (دارای جنبه عمومی و خصوصی) در قوانین موضوعه تعریف شود و در صورت نبود شاکی خصوصی، دادستان به عنوان مدعی‌العموم طرح شکایت کند و همچنین در صورت گذشت شاکی خصوصی، متهمین از بابت جنبه عمومی جرم مجازات شوند. همچنین قطعیت و عدم شمول عفو نیز بایستی در مورد این جرم رعایت و اجرا شود.

بررسی جرم اسیدپاشی در قوانین کشورهای دیگر

نیلوفر جعفری

اتفاق می‌افتد اما به این دلیل که در موارد بسیاری به عنوان ابزار خشونت علیه زنان استفاده می‌شود از این نوع خشونت به عنوان جرمی علیه زنان یاد می‌شود. با این حال اسیدپاشی جرمی است که در برخی از کشورها گزارش نمی‌شود و مجازات مجرم به دلیل ترس بازماندگان قربانی انجام نمی‌شود.

وضعیت کشورها و مقابله با اسیدپاشی

بریتانیا از جمله کشورهایی است که اسیدپاشی در آن به عنوان یکی از معضلات اجتماعی یاد می‌شود. تعداد اسیدپاشی‌ها به نسبت جمعیت این کشور بسیار بالاست. در سال ۲۰۱۶ فقط در شهر لندن مواد خورنده در ۴۵۴ پرونده خشونت استفاده شده است در حالی که این عدد در سال ۲۰۱۵، ۲۶۱ مورد بوده است. شواهد نشان می‌دهد که بسیاری از این موارد مربوط به پرونده باندهای جنایتکار بوده است.

در سال ۲۰۱۶ حدود ۳۰۰ پرونده اسیدپاشی در هند گزارش شده است. پژوهش‌ها نشان می‌دهند بسیاری از قربانیان زنان و دختران بوده‌اند و بیشتر این حملات در مکان‌های عمومی مانند خیابان‌ها، مدارس و دانشگاه‌ها اتفاق می‌افتد. البته گفته می‌شود تعداد حقیقی حملات اسیدپاشی از ۱۰۰۰ پرونده در سال نیز بیشتر است. در

اسیدپاشی یا حمله با اسید شکل معاصر زیر پا گذاشتن حقوق انسانی است. افزایش تعداد اسیدپاشی‌ها، لیست قربانیان منتظر اجرای عدالت را طولانی و طولانی‌تر می‌کند. برای غلبه بر این معضل اجتماعی نیاز است که این مساله به یک دغدغه عمومی تبدیل شود و مقامات رسمی کشورها نیز برای رفع این معضل دست به اقداماتی اساسی و عملی بزنند. اسیدپاشی جرمی علیه حقوق بشر است و رعایت حقوق بشر بر اساس اعلامیه‌ها و قراردادهای بین‌المللی برای همه افراد تضمین شده است؛ بنابراین جرم اسیدپاشی بسیاری از حقوق بشر بین‌المللی مانند کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان و اعلامیه رفع خشونت علیه زنان را نقض می‌کند. تلاش‌های بین‌المللی زیادی برای ریشه‌کن کردن اسیدپاشی انجام شده است. گزارشگر ویژه شکنجه و سایر رفتارهای بی‌رحمانه و بخش‌های مختلفی در سازمان ملل که برای رفع خشونت علیه زنان، توانمندی زنان و رفع تبعیض جنسیتی فعالیت می‌کنند در این راستا گام‌های مهمی برداشته‌اند.

اسیدپاشی جرم رایج علیه زنان

اسیدپاشی در سراسر جهان اتفاق می‌افتد و زنان قربانیان اصلی آن هستند. با اینکه اسیدپاشی علیه مردان نیز



تعداد بسیار بالایی است. در کلمبیا بیشتر اسیدپاشی‌ها توسط مردان و علیه زنان انجام می‌شود. بر اساس قوانینی که کلمبیا برای مقابله با اسیدپاشی تصویب کرده است، اکنون کنترل بیشتری بر روی خرید و فروش اسید انجام می‌شود و مجازات بیشتری در انتظار اسیدپاشان است. بر این اساس هر کسی که از مواد شیمیایی برای آسیب به دیگری استفاده کند حداقل می‌بایست ۱۲ سال در زندان بماند و اگر آسیب جسمی به قربانی آنچنان شدید باشد که باعث از شکل افتادن اندام‌های درونی و بیرونی فرد شده باشد مجازات به بیش از ۵۰ سال حبس نیز می‌رسد. با وجود مجازات‌های سخت در کلمبیا، سیاست‌گذاری‌های منابع نیاز به مدیریت بیشتری دارد. از مشکلات دیگر قربانیان اسیدپاشی در کلمبیا کمبود حمایت‌های پزشکی است. متخصصان پوست و جراحی‌های پوستی در این

سال‌های اخیر دولت هند گام‌های مثبتی برای کاهش خشونت و رفع این مشکل برداشته است. قوانین جدید هند در زمینه اسیدپاشی در زمینه قوانین کنترل فروش اسید و جبران خسارت قربانیان است اما اجرای این قانون در سراسر هند یکسان نیست و در هر ایالتی متفاوت است. شواهد نشان می‌دهند که جنبه‌های کلیدی این قانون هنوز به طور موثر اجرا نمی‌شوند. اسید همچنان به راحتی قابل خرید است و بسیاری از قربانیان برای جبران خسارات و مراقبت‌های پزشکی و برقرار عدالت دچار مشکل هستند. براساس پژوهش‌های ای‌اس‌تی‌آی (سازمان بین‌المللی حمایت از قربانیان اسیدپاشی، هر پرونده اسیدپاشی حدود ۵ تا ۱۰ سال در جریان است. در کلمبیا سالانه حدود ۱۰۰ مورد اسیدپاشی گزارش می‌شود که نسبت به جمعیت ۵۰ میلیونی این کشور

همچنین اسیدپاشی پیش از سال ۲۰۰۰ موضوعی مهم در کشور کامبوج نبود. اما در سال ۲۰۰۰ تعداد اسیدپاشی‌ها با ۴۰ پرونده افزایش ناگهانی پیدا کرد. اما با افزایش اقدامات سازمان‌های بین‌المللی فعالیت‌ها علیه اسیدپاشی ارتکاب به آن کاهش چشمگیری پیدا کرد. سازمان‌های بین‌المللی به همراه سازمان خیریه قربانیان اسیدپاشی کامبوج مشترکاً اقداماتی انجام دادند و با لابی دولتی توانستند در ژانویه ۲۰۱۲ اولین قانون خشونت اسید در کامبوج را به تصویب برسانند. پس از تصویب این قانون تعداد حملات اسیدپاشی در کامبوج به طور معناداری کاهش پیدا کرد و در حال حاضر تعداد پرونده‌ها به چند مورد در سال کاهش پیدا کرده است.

گزارش‌ها نشان می‌دهند پس از تصویب این قوانین نرخ اسیدپاشی‌ها در این کشورها به طور معناداری کاهش پیدا کرده است. بنابراین کشورهای دیگری که نرخ اسیدپاشی در آن‌ها بالا است می‌بایست اقداماتی در راستای تصویب قوانینی که به طور خاص به اسیدپاشی مربوط می‌شوند را در دستور کار خود قرار دهند.

سازمان بین‌المللی حمایت از قربانیان اسیدپاشی که تلاش‌های زیادی در کشورهای مختلف برای تصویب قوانین و گزارش‌آمارها داشته است با استناد به پژوهش‌ها به این مساله اشاره می‌کند که یکی از خلاءهای قانونی در بسیاری از کشورهایی که با معضل اسیدپاشی دست به گریبان هستند خلاء حمایت قانونی روحی، اجتماعی و اقتصادی از قربانیان اسیدپاشی است که کمک می‌کنند تا قربانیان بتوانند زندگی خود را از نو بسازند. همچنین مطالعات این سازمان نشان می‌دهد که در نبود قانون ویژه برای اسیدپاشی مجرمان در سایه امن قرار می‌گیرند. بنابراین تمام کشورها باید قوانین ویژه‌ای علیه اسیدپاشی تصویب کنند که در آن به طور خاص اسید به عنوان یک سلاح شناخته شود تا پلیس بتواند به طور موثر در بازداشت و بازجویی از متهم اسیدپاشی وارد عمل شود. بررسی کشورهایی که تجربه قانون‌گذاری موثر در این زمینه را داشته‌اند نشان می‌دهد که قوانین علیه اسیدپاشی می‌توانند بسیار موثر و عملی باشند و تعداد پرونده‌ها را به شکل محسوسی کاهش دهند.



میان ۱۴۵ کشور جهان برای شاخص شکاف جنسیتی سال ۲۰۱۵ قرار داشتند. اما با توجه به الزامات بین‌المللی، کشورهایی مانند بنگلادش و کامبوج قوانین خاصی برای رفع و مبارزه با اسیدپاشی تصویب کرده‌اند که به طور موثری در کاهش میزان ارتکاب جرم نقش داشته است. به طور کلی ۷۰ درصد از قربانیان اسید پاشی در بنگلادش زنان هستند و ۸۰ درصد اسیدپاشی‌ها در خانه فرد قربانی اتفاق می‌افتد و قربانیان این خشونت معمولاً از طبقه اقتصادی پایین جامعه هستند. دولت بنگلادش پس از درخواست کمپین‌ها و فشارهای رسانه‌ای در نهایت در سال ۲۰۰۲ قوانینی علیه اسیدپاشی تصویب کرد که شامل قوانینی برای فروش، استفاده و انبار مواد اسیدی بوده است. در سال ۲۰۰۲ بیش از ۴۰۰ پرونده اسیدپاشی در مراجع قضایی وجود داشت. هم اکنون تعداد حملات اسیدی به ۱۰۰ پرونده در سال کاهش پیدا کرده است.

در مناطق روستایی که اسید پاشی بیشتر رواج دارد. پاکستان همچنان با چالش‌هایی در راستای تحقیقات، محاکمه عادلانه، خدمات توان‌بخشی و پزشکی مجانی، بودجه و مکانیزم‌های نظارتی روبه‌رو است و برای این معضل اجتماعی ناقض حقوق انسانی با موانعی رو به رو است. با این حال مصوبه اسید پاشی و جرم سوزاندن که در سال ۲۰۱۲ به عنوان یک مصوبه جامع تصویب شده به مکانیزم برخورد با اسیدپاشی پرداخته است. از سال ۲۰۱۴ پرونده‌های مربوط به جرم اسیدپاشی در این کشور کاهش پیدا کرده است با این حال تعداد پرونده‌ها در سال ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ ثابت باقی مانده است.

قوانین موثر علیه اسیدپاشی در بنگلادش و کامبوج
بنگلادش، هند و کامبوج زمانی در صدر تعداد اسیدپاشی‌ها قرار داشتند و به ترتیب در رتبه‌های ۶۴، ۱۰۸ و ۱۰۹ در

کشور بسیار اندک هستند.

پاکستان یکی از کشورهایی است که اسیدپاشی در آن رایج است. در این کشور سالانه حدود ۴۰۰ زن قربانی اسیدپاشی می‌شوند. این اسیدپاشی‌ها معمولاً توسط شوهر یا خانواده شوهر اتفاق می‌افتند اما به دلیل عدم گزارش حادثه اسیدپاشی، در ۱۰ سال گذشته فقط ۱۵۰۰ پرونده در دادگاه‌های این کشور علیه اسیدپاشی تشکیل شده است. حملات اسیدپاشی اغلب در راستای خشونت‌های خانگی قرار می‌گیرند و ریشه در نابرابری جنسیتی دارند و معمولاً به شکل اختلاف بر سر زمین و اموال، سوءظن خیانت، اختلاف خانوادگی و رقابت ظهور پیدا می‌کنند. در اصلاحیه مهم قانون مجازات پاکستان در سال ۲۰۱۱ اسیدپاشی به عنوان جرم عمومی معرفی می‌شود که مجازات آن در مواردی می‌تواند حبس ابد باشد. اما این قانون به ندرت اجرایی شده است به ویژه

تقویت قوانین خشونت علیه زنان؛ پاشنه آشیل اسیدپاشان



مریم دهکردی

«مرضیه ابراهیمی» برای اغلب کسانی که اخبار ایران را دنبال می کنند نامی آشناست. یکی از قربانیان اسیدپاشی که نیمی از چهره اش را از دست داد اما پس از این اتفاق به اسطوره ای از مقاومت در برابر خشونت تبدیل شد. زنی که از دست دادن نیمی از چهره اش هیچ از زیبایی اش نکاست. هر جا حضورش لازم بود با همه توانش آمد و از خشونت که بر او رفت حرف زد.

مدتی قبل نمایندگان مجلس شورای اسلامی ایران، کلیات یک طرح یک فوریتی را تصویب کردند. طرحی با عنوان «تشدید مجازات اسید پاشی و حمایت از بزه دیدگان». کلیات این طرح با ۲۰۶ رای موافق، ۴ رای مخالف و ۳ رای ممتنع از مجموع ۲۳۰ نماینده حاضر در جلسه به تصویب رسید. در این طرح، تعریف روشن تری از اسیدپاشی در قانون ارائه شده و مجازات سنگین تری هم برای آن تعیین می کند. از سوی دیگر برای قربانیان اسیدپاشی هم حمایت هایی در نظر گرفته است.

در روز تصویب این طرح، مرضیه ابراهیمی به همراه چند تن دیگر که همه از قربانیان اسیدپاشی بودند در مجلس حضور داشتند. آن‌ها از دغدغه ها و مصائب خود حرف زدند و تلاش کردند رنجی که بر قربانیان اسیدپاشی می رود را به نمایندگان مجلس و قانونگذاران در مجلس نشان

دهند.

پیش از این اسیدپاشی جرمی با مجازات قصاص بود و قصاص یعنی بازتولید خشونت. چشم در برابر چشم. مجازاتی که اگر چه محدود اجرا شد اما به هیچ وجه بازدارنده نبود. این را «حسن نروزی»؛ سخنگوی کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس تایید می کند: «در دهه های اخیر آمار اسیدپاشی ایران رو به افزایش بود و این اقدامات خسارت جبران ناپذیر و رعب و وحشت فراوان در جامعه به جا گذاشته است، به همین خاطر تعیین مجازات سنگین برای آن ضروری است.» حالا گفته می شود که اگر این طرح به قانون تبدیل شود، دادگاه می تواند مرتکبان به اسیدپاشی را از ۵ تا ۲۵ سال به زندان محکوم کند.

زنان؛ قربانیان عمده اسیدپاشی در ایران

سال ۱۳۹۳ دور تازه ای از مبارزه با بدحجابی در اصفهان آغاز شد. سخنان محمدتقی رهبر امام جمعه موقت اصفهان با این مضمون که «امر به معروف و نهی منکر باید از تذکر لسانی فراتر برود» منجر به وقوع اسید پاشی های زنجیره ای در این شهر شد. اگر چه مقامات و دفتر امام جمعه در اصفهان بارها این مطلب را تکذیب کرد اما این اتفاق به یک چالش سیاسی تمام عیار برای

نظام جمهوری اسلامی بدل شد. مسببان اسیدپاشی تا این لحظه و به رغم گذشت ۵ سال از این اتفاق تلخ هنوز بازداشت نشده اند و ماجرا به حدی بالا گرفته است که حتی تندخوترین امام جمعه تهران «احمد خاتمی» را به واکنش واداشت و باعث شد او از این اتفاق به عنوان ماجرای یاد کند که به گفته او «حیثیت نظام» را به خطر انداخته است. اما به واقع ارتباط میان خشونت علیه زنان و جرمی مانند اسیدپاشی چیست؟ و چرا اکثریت قربانیان اسید پاشی را در ایران، زنان تشکیل می دهند؟

مصطفی ایرانی حقوق دان ساکن ایران در پاسخ به این پرسش ها می گوید: «در حقوق با بررسی رویه ها و نحوه اجرای جرایم در طول یک بازه زمانی طولانی می شود برخی اصول را استخراج کرد. بدین معنا که برخی از جرایم علیه یک جنس نسبت به جنس دیگر بیشتر انجام می شود یا بزه کاران به شیوه خاصی این بزه را انجام می دهند. بطور مثال خودکشی یا قتل را در نظر بگیرید. زنان

به نسبت مردان عموماً در هنگام وقوع قتل یا خودکشی کمتر از چاقو و ابزار که منجر به خونریزی بشود استفاده می کنند و روش های انتخابی شان عموماً خفه کردن، سم خوراندن و روش هایی است که فاقد خونریزی باشد. بررسی های آماری در اسیدپاشی هم نشان می دهد تعداد قربانیان زن بیشتر است و یکی از دلایل هم اهمیت ظاهر برای زنان است. اغلب مجرمین اسیدپاشی چون از میزان اهمیت چهره ظاهری زنان برای آن‌ها مطلعند از این روش برای صدمه زدن به آن‌ها استفاده می کنند.» این حقوق دان اضافه میکند: «لطمه های که بدین وسیله به زن وارد می شود بصورت مستقیم از بین بردن زیبایی ظاهری است اما در پی آن لطمه ها و آسیب های دیگری هم متوجه قربانی اسیدپاشی خواهد شد مثل طرد شدن از جامعه، عدم امکان ازدواج و مواردی از این دست. این‌ها به خصوص زمانی که اسیدپاشی با انگیزه انتقام جویی صورت بگیرد اهداف اصلی فرد اسیدپاش محسوب می



شوند.»

یکی از علل موثر در تداوم خشونت در جوامع مردسالار، حفظ سلطه مردانه است. خشونت علیه زنان رویدادی جهان شمول است و اسیدپاشی به عنوان یکی از مصادیق آن در نقاط زیادی از جهان رخ داده است. در جوامع توسعه یافته اینکه مردان جامعه- و نه حتی وابستگان یک زن- برای تنبیه کردن زنی که پوشش را آنطور که شرع نمی پسندد اقدام به پاشیدن اسید بر چهره و بدن او کنند امری عجیب و غیرقابل باور است. در کشوری مثل ایران اما برعکس از آنجا که عموم سیاست‌های رسمی زن ستیزانه است و قوانین هم آنچنان که می‌دانیم نابرابر نوشته شده است مردان این حق را به خود می‌دهند که در برابر هرگونه اقدامی از سوی زنان که از نگاه آن‌ها سرکشی قلمداد می‌شود اقدام به رفتارهای خشونت آمیز بزنند.

یکی از شگفتی‌ها در مورد اسیدپاشی در ایران این است که، تهیه و خرید اسید اساسا جرم انگاری نشده. اسید در فهرست هیچکدام از سلاح‌های سرد و گرم نیست. این مسئله می‌تواند در افزایش آمار این جرم بسیار مهم باشد. چرا خرید و فروش اسید به رغم آمار بالای اسیدپاشی در ایران همچنان جرم انگاری نشده و اسید را در زمره هیچکدام از سلاح‌های سرد یا گرم تعریف نمی‌کنند؟ آیا منع قانونی برای این مسئله وجود دارد؟

مصطفی ایرانی در گفتگو با حقوق ما می‌گوید: «در این خصوص یک پیشینه فقهی وجود دارد. فقه اسلامی برای سلاح تعریف خاصی ارائه می‌دهد. فقه شیعه سلاح را صرفا ابزار جنگی می‌داند. یعنی ابزارهایی که برای نبرد با دشمن ساخته شده باشند. از کلاه خود و شمشیر تا آلات و ادوات جنگی جدیدتر مثل سلاح‌های گرم. به همین خاطر و با توجه به اهمیت و نقش فقه در قانون گذاری از همان ابتدای انقلاب مشروطه اسید در فهرست سلاح‌های گرم یا سرد قید نشده است. اگر چه در قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات مصوبه سال ۱۳۹۰ و آیین نامه اجرایی آن مصوب ۱۳۹۲ از نوعی مواد و اقلام تحت کنترل صحبت شده که شامل مواد محترقه، شیمیایی و میکروبی می‌شود. در این مصوبه مواد شیمیایی اینگونه

تعریف شده است: «موادی که برای کشتن یا ناتوان و ناقص کردن افراد از طریق تاثیرات فیزیولوژیکی استفاده شود که به نظر می‌رسد اسید را هم شامل می‌شود اما با توجه به قیدی که در ادامه برایش در نظر گرفته شده است قابل استناد نیست: «که در عملیات تروریسی به کار برده می‌شود.»»

به باور این حقوق داد این ضعف قانونی به مصوبه هیئت دولت باز می‌گردد. به گفته او هیئت دولت باید مصادیق مواد شیمیایی را مشخص می‌کرده و حالا خواسته یا ناخواسته اسیدها را با قید «به کاربردن مواد شیمیایی در عملیات تروریستی» از دایره بیرون گذاشته است. او همچنین تاکید می‌کند این تنها مورد ضروری نیست که فاقد قانون مدون در نظام حقوقی حال حاضر ایران است. به نظر می‌رسد آنچه حقوق‌دانان، قانونگذاران و مطالبات شهروندان باید بر آن متمرکز شود علاوه بر تشدید مجازات برای اسیدپاشان تلاش برای رفع ضعف‌های قانونی در خصوص خرید و فروش این ماده شیمیایی و جرم انگاری آن است. مرضیه ابراهیمی نیز مهم‌ترین خواسته قربانیان اسید پاشی را وضع قوانین بازدارنده و کنترل خرید و فروش این ماده دانسته و گفته است: «بعد از این اتفاق دغدغه‌هایم تغییر کرده و دیگر نسبت به انسان‌ها و خصوصا زنان شبیه به خود بی‌تفاوت نیستم. از سه سال پیش که عضو انجمن حمایت از قربانیان اسیدپاشی شدم متوجه شدم ریشه بیشتر موارد مشابه از یک نزاع خانوادگی، اختلاف نظرهای کاملا پیش پا افتاده و مواردی از این دست بوده که برای جامعه ما بسیار قبیح است.»

سیاست‌های حاکم و خشونت علیه زنان

از دیرباز تا به امروز نحوه برخورد با زنان، حجاب و حقوق آن‌ها یکی از ابزارهای سیاستمداران بوده است. در ده سال اخیر تلاش‌های زیادی برای حذف زنان از عرصه‌های اجتماعی صورت گرفته است و مبارزه زنان با این رخدادها عرصه را برای مخالفان حضور آن‌ها تنگ کرده است. این موضوع را می‌توان از میزان گسترش خشونت و اعمال فشار در مبارزه با «بدحجابی» را به وضوح مشاهده

کرد.

با این اوصاف قوانین مرتبط با خشونت علیه زنان را چطور می‌شود تقویت کرد که منجر به کاهش میزان اسیدپاشی به طور خاص و سایر خشونت‌ها بصورت عام شود؟ مصطفی ایرانی در این‌باره می‌گوید: «هر جرمی در علم حقوق سه رکن دارد. رکن مادی، معنوی و قانونی. برای وقوع جرم هر سه این‌ها لازم است پس راه مقابله با وقوع جرم در وهله اول از بین بردن ارکان مادی و معنوی آن در سطح جامعه است. حال چگونه؟ مثلا در مورد اسید پاشی اولین قدم این است که دسترسی به اسید به عنوان رکن مادی باید ضابطه مند و دشوار شود. الان در هر فروشگاه ابزار فروشی اسید با پی‌اچ آسیب‌زا قابل دسترس است. گام دوم باید آموزش و آگاهی بخشی باشد. اینکه اسید پاشی صرف‌نظر از جرم، راهی غیرانسانی برای انتقام جویی یا تنبیه است و در ادامه اثرات اسیدپاشی هم بیان شود. در برخی از موارد اسیدپاشی دیده شده که فرد اسیدپاش اطلاع دقیقی از میزان آسیب‌زا بودن یا صدمه‌ای که به فرد خواهد زد نداشته و گمانش این بوده که سوختگی در حد قرمز شدگی پوست و سطحی اتفاق می‌افتد. بنابراین اقدامات فرهنگی و آگاهی بخشی به قدر بخش اول اهمیت دارد.»

به گفته این حقوق‌دان گام بعدی که می‌تواند موازی با موارد بالا انجام شود اصلاح قانون است. او می‌گوید: «تا پیش از این مجازات اسیدپاشی در قالب قانون مجازات اسلامی در زمره آسیب‌های عمدی به انسان دسته‌بندی می‌شد و بر حسب مورد از طریق قصاص یا پرداخت دیه حل و فصل می‌شد. بنابراین قانونگذاران باید جرم انگاری دقیقی کرد. در اغلب پرونده‌های اسیدپاشی امکان قصاص وجود ندارد و صرف پرداخت دیه ممکن بود بزه کار از زندان رها شود بدون اینکه خسارات جسمی و مالی فرد قربانی تامین شده باشد.»

این حقوق‌دان بر این باور است که در اغلب قوانین که در جهت کاهش خشونت علیه زنان وجود دارد اثبات خشونت رفته بر قربانی کار دشواری است و پیش از هر چیز باید این مسئله در نظام حقوقی ایران تغییر کند: «مثلا در خشونت خانگی اغلب اوقات شاهدی وجود ندارد گاه اصلا آثار جسمانی بر بدن زن باقی نمی‌ماند یا

فرد این آسیب‌ها را مستند نکرده باشد. چنین خشونتی امکان اثبات ندارد. بنابراین تغییر ادله اثبات دعوا باید در همه قوانین خشونت علیه زنان باید تعمیم بدهیم. و در نهایت باید حمایت از قربانی در قانون در دستور کار قرار بگیرد. این حمایت‌ها هم باید دولتی باشد. امکان پرداخت هزینه‌های درمانی این افراد فراهم و مدون شود. در صورتی که در داخل ایران امکان درمان وجود ندارد به خارج اعزام شوند. وزارت بهداشت کلینیک‌های خاص با تربیت نیروی متخصص ایجاد کند.»

تشدید مجازات؛ چقدر و چگونه؟

«عبدالصمد خرمشاهی»، حقوق‌دان و وکیل پایه یک دادگستری که دفاع از چند قربانی اسیدپاشی را بر عهده داشته است با توجه به افزایش میزان این جرم در ایران بر این باور است که باید سیاست‌های خاصی در کنار اقدامات امنیتی و بازدارنده برای این مورد در نظر گرفته شود. او به تاریخچه شروع اسیدپاشی در ایران اشاره میکند و می‌گوید: «تصویب قانون مجازات اسیدپاشی در سال ۱۳۳۷ نشان از وقوع اسیدپاشی در سال‌های قبل از آن دارد. البته این قانون تا به امروز هیچ تغییری نکرده است. براساس این قانون، اگر کسی با اسید، فردی را به قتل برساند، مجازاتش اعدام است. اما هنوز خلاءهایی در مورد این که اسید پاشی منجر به نقص عضو شود، در این قانون وجود دارد.» این حقوق‌دان معتقد است در زمینه اسیدپاشی باید راه‌کاری تدوین شود که دارای بازدارندگی کافی باشد: «به عقیده من، حبس ابد با اعمال شاقه به همراه تبعید می‌تواند در این زمینه موثر باشد.»

مرضیه ابراهیمی برای نسل تازه زنان ایران صدای بلند اعتراض است. زنی که یک تنه بر نقشه‌های حاکمیت و مجرمان آتش به اختیار اسیدپاشی خط بطلان کشید. به نظاره گری منفعل در برابر خشونت بدل نشد. کنج عزلت نگزید. ازدواج کرد و از یک شهروند عادی به نمادی باشکوه برای مبارزه با اسیدپاشی و خشونت تبدیل شد. او حالا در پی حق خودش و دیگرانی است که مورد خشونت واقع شده‌اند. تلاش برای تشدید مجازات اسیدپاشی به توجه به طنزهای نماینده مجلس که به او گفته بود: «قسر در رفتی و نیمی از صورتت سالم مانده است.»

طرح تشدید مجازات اسیدپاشی؛ جرم انگاری یا تشدید خشونت؟



معین خزالی

تلاش برای افزایش مجازات آن در شرایطی که این کشور در سال‌های اخیر با افزایش موارد ارتکاب آن، به ویژه به شکل سیستماتیک (اسیدپاشی‌های اصفهان در سال ۱۳۹۳)، روبه‌رو بوده خود می‌تواند به نوعی پاسخگویی به نیاز قوانین کارآمدتر در این حوزه تلقی شود؛ اما انتقادات مطرح شده به این طرح نشان از عدم کفایت قانونی آن در همه ابعاد دارد.

در این میان یکی از انتقاداتی که به جد حکایت از عدم آشنایی گردآوردندگان این طرح با مباحث نوین و به روز جرم‌شناسی و پیروی صرف از احکام فقهی کیفری دارد، تاکید این طرح بر تشدید خشونت از طریق قصاص (نفس و عضو) مرتکب اسیدپاشی به عنوان مجازات اصلی این جرم است.

قصاص؛ ادامه چرخه خشونت

گردآوردندگان طرح «تشدید مجازات اسیدپاشی و حمایت از بزه‌دیدگان ناشی از آن» در ماده یک این طرح به پیروی از یکی از احکام اصلی کیفری فقه شیعه در مورد مجازات اعمال جنحه و جنایت علیه اشخاص، مجازات اصلی جرم اسید پاشی را قصاص تعیین کرده و اعمال آن را به درخواست قربانی منوط کرده‌اند. بر اساس این ماده «هر کس عمداً با پاشیدن اسید یا هر نوع ترکیبات

مجلس شورای اسلامی در ایران سرانجام پس از سال‌ها کشمکش در واپسین روزهای اردیبهشت ماه سال جاری، با تصویب کلیات طرحی با نام «تشدید مجازات اسیدپاشی و حمایت از بزه‌دیدگان ناشی از آن» با افزایش آنچه که مجازات جرم اسیدپاشی عنوان شده موافقت کرد. هدف از این طرح که به گفته گردآوردندگان آن طرحی پیشگیرانه است، بالا بردن هزینه جرم اسیدپاشی از طریق افزایش مجازات آن و در نتیجه کاهش موارد ارتکاب به دلیل ترس از مجازات و همچنین حمایت از قربانیان این جرم بوده است.

در همین زمینه سردار محسن حسنخانی، رییس پلیس آگاهی نیروی انتظامی ایران با اشاره به هدف پیشگیرانه این طرح در روز ۳۱ اردیبهشت با ابراز امیدواری از موثر بودن این طرح در صورت تبدیل شدن به قانون (پس از تصویب کامل آن و تایید شورای نگهبان) با بیان اینکه «هرچه هزینه جرم بالاتر برود یقیناً جرم کمتر می‌شود» گفته است: «در مورد طرح مربوط به اسیدپاشی نیز اداره حقوقی پلیس باید جزئیات آن را بررسی کند، اما همانطور که گفتم قوانینی که بازدارندگی بیشتری داشته باشند طبیعتاً می‌توانند وقوع جرم را کاهش دهند.»

اگرچه پرداختن مجلس ایران به موضوع اسیدپاشی و

شیمیایی دیگر، با هر میزان غلظت موجب جنایت بر نفس، عضو و منفعت شود در صورت مطالبه از سوی مجنی علیه یا ولی دم حسب مورد با رعایت شرایط عمومی و اختصاصی قصاص، به قصاص نفس یا عضو محکوم می‌شود. در غیر این صورت مطابق قانون از حیث دیه و تعزیر عمل می‌گردد.»

تلاش برای تعیین این مجازات از سوی قانونگذار ایرانی به ویژه در مورد قصاص عضو در موارد جنایت بر عضو، در حالی است که اساساً اعمال هرگونه مجازات که در آن به تمامیت جسمی اشخاص آسیب وارد آمده و سبب جراحت بر بدن شود (مانند شلاق و یا قطع عضو) مصداق کامل شکنجه بوده و از این رو نقض فاحش حقوق بشر

و قوانین بین‌المللی است. در همین زمینه ماده یک کنوانسیون بین‌المللی منع شکنجه، در تعریف اعمالی که از نظر این کنوانسیون شکنجه محسوب می‌شوند صراحتاً هر عمل عمدی که بر اثر آن درد یا رنج شدید جسمی یا روحی علیه فردی شود را از مصادیق شکنجه دانسته است. این قانون همچنین تفاوتی مابین شکنجه به قصد کسب اطلاعات و یا به عنوان مجازات یک جرم قائل نشده و ایراد عمدی هرگونه درد و یا رنج شدید جسمی یا روحی به عنوان مجازات یک فعل ارتكابی مصداق شکنجه معرفی کرده است. از این روشن است که بر اساس این تعریف اجرای مجازات قصاص عضو نمونه بارز اعمال شکنجه و خشونت است.

جدید نه تنها نتوانسته مجازات پیشبینی شده را افزایش دهد، بلکه در مواردی که جرم ارتكابی سبب جراحت و مرض دائمی شود، مجازات را کاهش نیز داده است. این طرح در ماده ۲ خود مجازات مرتکب اسیدپاشی را در صورتی که شاکی خصوصی نداشته و یا شاکی از قصاص صرف نظر کند و یا به هر دلیلی قصاص قابل اعمال نباشد حبس تعزیری درجه یک یعنی بیش از ۲۵ سال زندان است. این در حالی است که بر اساس ماده واحده مصوب سال ۱۳۳۷ مجازات مرتکب حبس ابد تعیین شده بود. از سوی دیگر بررسی مجازات زندان در قانون مجازات اسلامی (ماده ۱۹) نشان می‌دهد از نظر این قانون اشد مجازات حبس همان ۲۵ سال یا بیش از آن بوده و این قانون مجازات حبس ابد را به عنوان اشد مجازات به رسمیت نشناخته است.

از سوی دیگر نگاهی به تعیین مجازات حبس ابد در این قانون حکایت از این دارد که این مجازات تنها دو بار (ماده ۲۷۸ و ۳۷۵) مورد استفاده قرار گرفته که هر دوی آنها به نوعی حدی بوده و در راستای پیروی از احکام کیفری فقه شیعه وضع شده‌اند. ضمن اینکه مجازات حبس ابد پیش بینی شده در قانون جدید مواد مخدر مربوط به جایگزینی آن با احکام اعدام بوده است. این مساله نشان می‌دهد از نظر قانونگذار ایرانی، مجازات حبس ابد تنها در صورتی قابل اعمال است که یا حد آن در احکام اسلامی مشخص شده و یا به عنوان جایگزینی برای اعدام مورد استفاده قرار گیرد.

پیشبینی مجازات قصاص (هم نفس و هم عضو) از سوی قانونگذار ایرانی در طرح «تشدید مجازات اسیدپاشی و حمایت از بزه‌دیدگان ناشی از آن» در حالی است که این مجازات به دلیل عدم امکان عملی اجرا در قصاص عضو و مجروحیت شدید بدون منجر شدن به مرگ در اکثریت موارد اسیدپاشی، عملاً اجرا نشده و از این رو مرتکب به مجازات حبس درجه یک (بیش از ۲۵ سال) محکوم خواهد شد. حال آنکه قانونگذار می‌توانست با تعیین مجازات حبس ابد برای اسیدپاشی منجر به فوت یا نقص عضو، هم مجازات پیشبینی شده قانونی را افزایش دهد و هم اینکه از پیشبینی مجازات‌های غیرانسانی و ناعادلانه جلوگیری کند.



که قصاص امکان نداشته باشد چنانچه اقدام وی موجب اخلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه یا بیم تجری مرتکب یا دیگران گردد به دو تا پنج سال حبس محکوم خواهد شد و در صورت درخواست مجنی‌علیه مرتکب به پرداخت دیه نیز محکوم می‌شود.» این عدم پیش بینی مجازات متناسب با جرم اسیدپاشی و خلاء قانونی مجازات اسلامی بوده که مجلس ایران را بر آن داشته تا در طرح «تشدید مجازات اسیدپاشی و حمایت از بزه‌دیدگان ناشی از آن» به دنبال افزایش مجازات این جرم برآید. با این حال آنچه که روشن است این است که در مقایسه با قانون مصوب سال ۱۳۳۷، طرح

شدن به قتل اعدام و در غیر این صورت اگر سبب ایجاد جراحت و جرحه دائمی می‌شد حبس ابد با اعمال شاقه پیش بینی شده بود. اگرچه این قانون تا هم اکنون نیز از لحاظ قانونی قابلیت اجرا دارد، اما پس از تصویب قانون مجازات اسلامی تا به امروز، دادگاه‌های ایران ترجیحاً ماده ۶۱۴ قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده را در جرایم مربوط به اسیدپاشی اجرا می‌کنند. بر اساس این قانون «هر کس عمداً به دیگری جرح یا ضربی وارد آورد که موجب نقصان یا شکستن یا از کار افتادن عضوی از اعضا یا منتهی به مرض دائمی یا فقدان یا نقص یکی از حواس یا منافع یا زوال عقل مجنی‌علیه گردد در مواردی

از سوی دیگر جدای از غیرانسانی و وحشیانه بودن مجازات قصاص عضو، در عمل این مجازات امکان اجرا نداشته و تاکنون نیز جز در موارد بسیار محدود، آن هم صرفاً در مورد قصاص چشم، از سوی دستگاه قضایی ایران اجرا نشده است. چرا که اساساً به توجه به خاصیت اسید در ایجاد جراحت گسترده و شدید بر اندام‌ها و بافت‌های انسانی، به جز برخی صدمات عینی و مشهود مانند کوری چشم، محاسبه دقیق میزان صدمه وارد شده به قربانی عملاً غیرممکن است. به ویژه اینکه به عنوان مثال نمی‌توان تاثیر خسارت وارده بر زندگی و روح و روان فردی را که صورتش به دلیل اسیدپاشی دچار جراحت شدید شده ولی در عین حال منجر به از دست دادن هیچ عضوی نشده محاسبه کرده و به همان میزان، جراحت را بر مرتکب جرم اعمال کرد.

عدم امکان کامل تساوی در اجرای قصاص عضو به ویژه در موارد مربوط به جرایمی مانند اسیدپاشی در حالی است که بنابر احکام کیفری فقه شیعه و تبع آن قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ (مواد ۳۹۳ تا ۴۱۶)، تساوی جراحت واقع شده، عدم سرایت جنایت یا عفونت به بیش از مقدار مساوی با عضو مجروح شده مجنی‌علیه در صورت اعمال قصاص و همچنین رعایت عمق و طول و عرض جراحت در انجام قصاص از شرایط ضروری برای اجرای مجازات قصاص عضو بوده و در غیر این صورت اعمال آن ممنوع است.

بر همین اساس آنچه که در عمل از سوی قانونگذار ایرانی در تدوین طرح «تشدید مجازات اسیدپاشی و حمایت از بزه‌دیدگان ناشی از آن» اتفاق افتاده، پیشبینی مجازاتی است که اساساً به لحاظ انسانی و عملی قابل اجرا نبوده و به همین دلیل خود به خود از چرخه دادخواهی از سوی قربانی و جامعه کنار گذاشته خواهد شد. حال آنکه به ادعای گردآورندگان این طرح، هدف از تدوین آن افزایش مجازات مرتکبان اسیدپاشی بوده است.

حبس ابد؛ مجازات مفقوده در جرم اسیدپاشی

تا پیش از تصویب اولین قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۳۷، بر اساس قانون ماده واحده‌ای که در سال ۱۳۳۷ تصویب شده بود مجازات اسیدپاشی در صورت منجر

حقوق ما

ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر
ایران / محمود امیری مقدم
سر دبیر این شماره: نعیمه دوستدار
تماس با مجله: mail@iranhr.net

